

آینة

کیتان

طریف در پارادوکس FATF؟!

● **محمدحسین محترم:** می‌گویند ۱۸۸ کشور عضویت در CFT را پذیرفته‌اند و ما هم باید با حق شرط پذیریم! اولاً مگر این ۱۸۸ کشور مبانی و اصول و ارزش‌های جمهوری اسلامی را پذیرفته‌اند که پذیرش آنها برای ما حجت باشد؟ ثانیاً وقتی به اذعان آقای طریف هیچ دادگاهی برای حل اختلافات درباره FATF وجود ندارد، آیا حق شرط معنا دارد؟ رابعاً اساساً ایران سهمی در پول‌شویی دنیا ندارد که نیاز به FATF داشته باشد. به گفته مسئول مبارزه با پول‌شویی بانک مرکزی در دولت یازدهم، «بیش از ۷۰ درصد پول‌شویی دنیا در آمریکا و آمریکا بی‌شم می‌شود» به‌طوری‌که هفته گذشته بزرگ‌ترین پرونده پول‌شویی تاریخ اروپا فقط در بانک دانسکه دانمارک افشا و هم‌زمان دویچه‌بانک آلمان به نیم‌میلیارد دلار جریمه به‌علت پول‌شویی در پرونده دیگری محکوم شد. خامساً در حالی استونی در شمال اروپا با هزار میلیارد دلار پول‌شویی به‌عنوان «پایتخت پول‌شویی جهان» شناخته می‌شود که نه عضو و نه در لیست سیاه FATF و نه تحت فشار آمریکا و اروپا و صهیونیست‌ها برای پیوستن به FATF است، امّا درحالی‌که مرکز ارزیابی خطرات جهانی (SOS) چند روز قبل ایران را در فهرست امن‌ترین کشورهای جهان ازجمله از نظر جرائم ناشی از پول‌شویی قرار داده، متأسفانه آقای طریف در دفاع از FATF بدون هیچ‌گونه مدرک و سندی جمهوری اسلامی را متهم به پول‌شویی کلان می‌کند!!!!

جمهوری اسلامی

درس عبرتی برای ترامپ

● شبکه‌های تلویزیونی با شکار صحنه‌های انزواء مطلق بن‌سلمان در آرژانتین به خوبی نشان دادند که دلالی و ریخت‌پوشاش اطرافیان وی برای متقاعدکردن سران در دیدار با بن‌سلمان تا چه اندازه رسواکننده بوده است. در این میان کسانی هم برای دوشیدن گاوه‌ای شیده سعودی وسوسه شدند که آن‌هم نشانی از بی‌اعتباری دربارهٔ سعودی است ولی فرصتی استثنائی برای پرکردن جیب دیگران مهیا شد. مرگ بوش پدر و سایر جنایتکاران تاریخ با خود این عبرت بزرگ را به همراه دارد که حتی قوی‌ترین دشمنان انسانیت هم با دست‌های خالی و با کوله‌باری از شرارت و بدنامی به‌گور می‌روند و قطعا به خاطر آرزوهای غیرانسانی ولی بر بادرفته، خود را ملامت کرده‌اند. این عبرت بزرگی است که لازم است همگان و به‌ویژه اشراری که راه پیر تنگ و نکبت بوش‌ها را در پیش گرفته‌اند، از این پس درس‌های تازه‌ای را بیاموزند و قبل از آنکه میهمان خاک سرد گورستان‌ها شوند، از تبهکاری‌ها و شرارت‌ها دست بردارند.

ایران

هر دم از این باغ بر می‌رسد

● **عباس عبدی:** اصولاً اگر بپذیریم «تعرفُ الاشیاء بإضدادها» اتفاقاً باید ضد هر چیزی را که قبول داریم به گفت‌وگو دعوت کنیم. مهم‌ اندیشه‌ی بسته است که کرسی‌های آزاداندیشی را به این روز انداخت که هیچ اثری از آن نیست. مگر نه آنکه مسئولان عالی‌رتبه نظام به قول خودشان صد بار بر آن تأکید کرده‌اند، ولی این کرسی‌ها در عمل راهی به جای نبرده است؟ چرا چنین شده که امروز کسی از این نهادی که راه افتاد بی‌خبر است؟ یا این بار هم دولتی‌ها و نیروهای غیرخودی مانع شدند؟ اینکه همه امکانات و اختیارانش دست خودتان است، چرا راه نینداختید؟ مشکل کجاست؟ مشکل اینجاست که می‌خواهید یکی، دو نفر یا حداکثر چند ۱۰ نفر از همفکران خودتان بیایند و از روی تفتن سبخی بگویند و نقدی نشنوند و امتیازی برای ارتقای رتبه اداری بگیرند و از منافع مادی آن بهره‌مند شوند. طبیعی است که نتیجه همین می‌شود. کرسی آزاداندیشی یعنی هر اندیشه‌ای بدون تمایز و تبعیض بیاید حرف بزند و دیگران هم پاسخ دهند. اینکه در عمل رخ داده کرسی آزاداندیشی نبود و نیست، بلکه چهارپایه‌ای است که برای تبلیغات گذاشته می‌شود.

اعتراض

بیامدهای خطرناک تضعیف سیاست خارجی و شخص طریف

● **شهرزاد ابراهیمی:** تضعیف سیاست خارجی در این شرایط حساس اصلاً به‌نفع منافع ملی کشور نیست. تضعیف سیاست خارجی ایران چیزی است که آرزوی آمریکا و متحدین منطقه‌ای آمریکاست. فراموش نکنیم که امروز دوره اواما نیست. ۴۰ سال دشمنی دو کشور، امروز به نقطه‌ای رسیده است که هر گونه خطای استراتژیک می‌تواند آتش جنگ را شعله‌ور سازد. کافی است، تجسم نماییم که اگر تندروانی امروز در ایران بر سر کار بودند و سکان سیاست خارجی دست آنها بود، الان در چه شرایطی قرار داشتیم (همین‌طور تصور اینکه اگر چند سال بعد هم در آمریکا در دوره دوم ترامپ بر سر کار باشد و هم در ایران تندروار بر سر کار باشند، سخت است.) ظاهراً به نظر می‌رسد که همپای سیاست خارجی مدربرانه کنونی، جناح‌های گوناگون به‌جای تنش و مجادله بر سر منافع و اغراض شخصی، بهتر است فکری برای تدبیر منزل بکنند که همچون سیاست خارجی در وضعیت حساسی قرار دارد.

politics@sharghdaily.ir

رئیس‌جمهوری دیروز صبح در جریان سفر استانی کاروان تدبیر و امید به استان سمنان در ورزشگاه تختی شاه‌رود در جمع مردم این شهرستان گفت: «آمریکا بداند اگر بخواهد جلوی صادرات نفت ایران را بگیرد، نفتی از خلیج فارس صادر نخواهد شد». حسن روحانی گفت که امروز روزی است که بعد از ۴۰ سال مبارزه با دشمن ظالم و ستمگر آمریکا برای اولین بار به پیروزی‌های کم‌نظیری دست یافته‌ایم. ایشا بن تأکید بر اینکه ملت بزرگ ایران نخواهد گذاشت لیخند بر لبان دشمن نقش ببندد، ادامه داد: «آمریکا به دنبال کودتا در کشور ما بود اما ناموفق شد؛ او به دنبال تحریم ایران و جداکردن خوزستان و حمله از طریق عفلقیان بود، اما ناموفق شد؛ او همچنین به دنبال تحریم سرزمین ایران و شکستن قدرت این کشور بود، اما ناموفق شد».

رئیس‌جمهوری با اشاره به عصبانیت تاریخی آمریکا از ایران و ایرانیان گفت: «ملت بزرگ و غیور ایران هرگز در برابر آمریکایی‌ها سر فرود نیاورده و نخواهد شد» آمریکایی‌ها خواستند و اعلام کردند که ایران را از صادرات نفت محروم می‌کنند و ایران را از تبادل تجاری با دنیا بازمی‌دارند؛ او می‌خواست و اعلام کرد که ایران را در منطقه و جهان منزوی خواهد کرد و گفت به اهدافی که در منطقه در نظر دارد دست خواهد یافت، اما ملت ایران در همه این نبردها اعلام خواهد کرد که پیروز نهایی خواهد بود. او تأکید کرد: «آمریکا بداند که ما نعمتان را می‌فروشیم و خواهیم فروخت و ما قادر به این نیست که جلوی فروش نفت ایران را بگیرد؛ بدانیکه که اگر روزی آمریکا بخواهد جلوی صادرات نفت ایران را بگیرد، نفتی از خلیج فارس صادر نخواهد شد».

دیپلماسی

دومین هشدار

روحانی: اگر جلوی صادرات نفت ایران در خلیج فارس گرفته شود، نفتی صادر نخواهد شد

این اولین بار نیست که حسن روحانی کشورهای غربی و منطقه را به صورت غیرمستقیم تهدید به بستن تنگه هرمز می‌کند. او اولین بار در اوج درگیری لفظی با رئیس‌جمهور آمریکا این بحث را مطرح کرده بود. در حالی که واشنگتن طرح به‌صفرر ساندن صادرات نفت ایران را پیش کشیده بود، رئیس‌جمهور ایران از تسلط بر تنگه هرمز گفت و اینکه اگر نفت ایران صادر نشود نفتی از منطقه صادر نخواهد شد. موضوعی که در ایران با استقبال مقام‌های امنیتی و نظامی همراه شد. به گزارش «ایستنا» روحانی در ادامه سخنرانی خود در شاه‌رود با اشاره به اینکه آمریکا می‌خواهد رابطه ملت ایران با دنیا را تضعیف کند، افزود: «امروز رابطه ایران بیشتر از هر زمان دیگری با دنیا برقرار است و ما با همسایگان خود روابطی صمیمی داریم و خواهیم داشت؛ آمریکا قادر نیست رابطه ما را با ملت‌های منطقه که در طول قرن‌ها به عنوان همسایه مهربان در کنار هم بوده‌ایم بر هم بزند. آنها همچنین قادر نیستند روابط تجاری ما را با منطقه و دنیا قطع کنند».

رئیس‌جمهوری گفت: «آمریکا باید این را بداند که در سراسر سرزمین ایران، مردم ما با کشورهای منطقه و جهان روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود را حفظ خواهند کرد و همچنان ارتباطاتمان را با همسایه‌ها و کشورهای اسلامی و جهان توسعه خواهیم داد». روحانی در ادامه صحبت‌های خود، با اشاره به اقدامات آمریکا برای طرح مجدد موضوع ایران‌هراسی در منطقه و دنیا، گفت: «آمریکا به دنبال آن است که اروپا، چین، هند و همسایگان ایران را از ایران جدا کند. این در حالی است که ما دشمن هیچ ملتی از همسایگان خود

آذرماهی که نیروهای مسلح ایران در جزایر پیاده شدند

۳ دهه کشمکش بر سر ۳ جزیره



می‌کنی در آینده ما را خائن خواهند گفت، یا چنان‌که معتقدم و اغلب سیاست‌مداران دنیا هم معتقدند، من که حاضر به حل مطلب بحرین شدم، خواهند گفت کار بزرگی انجام دادیم و این منطقه از دنیا را از شر کشمکش‌های پوچ و بالنتیجه نفوذ کمونیسم نجات

دادیم؟ من عرض کردم... که صرف ادعای ما بر این جزیره معلوم نبود و معلوم نیست که منتج به نتیجه می‌شد. بر فرض که آن را به تصرف می‌آوردیم، یک در‌دسر دائمی و کشمکش با جمعیت عرب آنجا، مضافاً به یک خرج دائمی و همیشگی می‌بود، زیراکه دیگر نفت آنجا هم ته می‌کشد...». او در بخش دیگری از خاطرات همین روز می‌نویسد: «فرمول حل مسئله بحرین چنانکه سابقاً نوشته‌ام، این است که اوتانت چنانکه خودش می‌داند، به آرای عمومی مردم بحرین مراجعه می‌کند و نتیجه را به شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌دهد و ما هم نتیجه را قبول می‌کنیم...». سرانجام در ۲۴ مرداد سال ۱۹۵۰ بحرین به‌صورت رسمی از بریتانیا اعلام استقلال می‌کند؛ چراکه از سال ۱۸۲۰ میلادی تحت سرپرستی بریتانیا درآمده بود. ایران اولین کشوری است که این استقلال را به رسمیت می‌شناسد. در همان سال طبق توافق ایران و بریتانیا ابوموسی هم‌راه تنب بزرگ و تنب کوچک به ایران بازگردانده می‌شود.

ازبین‌رفتن بقایای استعمار

خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس یعنی شروع حکمرانی کشورهای منطقه بر آب‌های مشترک، حالا بعد از گذشت نزدیک به نیم قرن رئیس‌جمهور ایران از توان بستن تنگه هرمز می‌گوید و کشورهای غربی و منطقه را تهدید می‌کند که اگر نفت ایران از منطقه خارج صادر نشود، نفت هیچ کشوری صادر نخواهد شد. هویدا، نخست‌وزیر وقت ایران در همان نطق خود در سال ۱۳۵۰ که گزارش توافقی با انگلیس است، می‌گوید: «بعد از حل موضوع بحرین که در نتیجه سیاست صحیح و منطقی ایران حاصل شد، فیصله این مهم از طریق سالم‌الت‌امیز بار دیگر اصالت سیاست خارجی ایران به ثبوت رسید و درعین‌حال با امحای آخرین اثر استعمار از خلیج فارس راه برای همکاری نزدیک و همه‌جانبه با برادران آن‌سوی خلیج فارس باز گشت و موجب نهایت خرسندی است که اکنون به رعایت حسن هم‌جواری که از اصول مسلم سیاست خارجی ملای ایران است، عدم توسل به زور در حل این امر خود دلیل بارز آن می‌باشند، خواهیم توانست با مردم تمام نواحی مجاور خلیج فارس بین‌المللی در حال و آینده همگامی و همکاری مثبت با یگانگی و فارغ از هر نوع نگرانی خواه از جهت منافع ملی ایران و خواه از نظر امنیت منطقه و صلح و آرامش مللی در حال و آینده همگامی و همکاری مثبت بین‌المللی در حال و آینده باشیم...». خروج نیروهای انگلیس را نشانه ازبین‌رفتن بقایای استعمار می‌خواند: «با اطمینان

نیستیم و نخواهیم بود. آمریکا نمی‌تواند میان ایران و همسایگان او و همچنین کشورهای اسلامی تفرقه ایجاد کند... او با بیان اینکه آمریکا در ماه‌های اخیر در چندین زمینه در مواجهه با ایران با شکست مواجهه شده است، افزود: «نخستین شکست آمریکایی‌ها، تلاش برای مبارزه با قدرت ایران از طریق جلب نظرات کشورها و سیاست‌مداران جهان بود اما به جز دو کشور کوچک و یک رژیم صهیونیستی، هیچ کشوری نه تنها از آنها حمایت نکرد، بلکه همه تحریم‌های آمریکا علیه ایران را محکوم کردند».

رئیس‌جمهوری همچنین به شکست‌های پیاپی ایالات متحده آمریکا در چندین پرونده حقوقی در مراجع بین‌المللی اشاره کرد و گفت: «مردم بداندن در دو، سه ماه اخیر آمریکایی‌ها را در مجمع عمومی سازمان ملل، شورای امنیت سازمان ملل، دادگاه لاهه و دادگاه عالی کشور ایتالیا در مصاف‌های حقوقی به شکست کشاندیم و این به معنای پیروزی دیپلمات‌های ایران، حقوق‌دانان این کشور، ملت بزرگ ایران و نیروهای مسلح در برابر دشمنان است». او در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در سراسر منطقه، با تلاش، ایثار و حمایتشان، امنیت را برقرار کرده‌اند. نیروهای مسلح و همه ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران برای امنیت عراق، سوریه و لبنان به ملت‌های منطقه کمک کرده‌اند و امروز نیز ایران تلاش می‌کند تا به مردم مظلوم یمن کمک کند تا آنها در برابر متجاوزان آل‌سعود در صحنه نبرد نظامی و سیاسی پیروز و موفق شوند و آل‌سعود و آمریکا در این نبرد شکست بخورند».

حود دو دهه بعد از سال ۱۹۹۲ ادعاهای شیخ‌نشینان خلیج فارس آغاز می‌شود. در این سال پس از خاتمه جنگ خلیج فارس امارات متحده عربی برخلاف نظر شیخ شارجه و تقاهم‌نامه ۱۹۷۱ شارجه با ایران درباره ابوموسی، اقدام به طرح ادعاهای مالکیت بر جزایر سه‌گانه کرد. در مقابل در واکنش به این اقدام شورای عالی امنیت ملی ایران با صدور بیانیه‌ای هشت‌ماده‌ای بر حق حاکمیت بی‌چون‌وچرای ایران بر جزایر تأکید کرد. بااین‌حال در این سال‌ها این ادعا همواره از سوی امارات متحده عربی مطرح بوده است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد در چند سال اخیر بیش از هزار عنوان کتاب و مقاله به سفارش دولت امارات به زبان‌های عربی و انگلیسی تهیه و به چاپ رسیده‌اند که در همه آنها بر حق امارات درباره جزایر تأکید شده و از «عاده حاکمیت» ایران در سال ۱۳۵۰ و استمرار حاکمیت آن بر این جزایر در نزدیک به ۴۰ سال اخیر به عنوان «اشغال» و از ایران به عنوان کشور «اشغالگر» یاد شده است. در نقطه مقابل ادعاها و شکایات امارات، ایران اما مالکیت بر جزایر سه‌گانه را غیرقابل گفت‌وگو می‌داند. دو سال قبل در سال ۱۳۹۵ منصور حقیقت‌پور،

حضور دو دهه بعد از سال ۱۹۹۲ ادعاهای شیخ‌نشینان خلیج فارس آغاز می‌شود. در این سال پس از خاتمه جنگ خلیج فارس امارات متحده عربی برخلاف نظر شیخ شارجه و تقاهم‌نامه ۱۹۷۱ شارجه با ایران درباره ابوموسی، اقدام به طرح ادعاهای مالکیت بر جزایر سه‌گانه کرد. در مقابل در واکنش به این اقدام شورای عالی امنیت ملی ایران با صدور بیانیه‌ای هشت‌ماده‌ای بر حق حاکمیت بی‌چون‌وچرای ایران بر جزایر تأکید کرد. بااین‌حال در این سال‌ها این ادعا همواره از سوی امارات متحده عربی مطرح بوده است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد در چند سال اخیر بیش از هزار عنوان کتاب و مقاله به سفارش دولت امارات به زبان‌های عربی و انگلیسی تهیه و به چاپ رسیده‌اند که در همه آنها بر حق امارات درباره جزایر تأکید شده و از «عاده حاکمیت» ایران در سال ۱۳۵۰ و استمرار حاکمیت آن بر این جزایر در نزدیک به ۴۰ سال اخیر به عنوان «اشغال» و از ایران به عنوان کشور «اشغالگر» یاد شده است. در نقطه مقابل ادعاها و شکایات امارات، ایران اما مالکیت بر جزایر سه‌گانه را غیرقابل گفت‌وگو می‌داند. دو سال قبل در سال ۱۳۹۵ منصور حقیقت‌پور،

حضور دو دهه بعد از سال ۱۹۹۲ ادعاهای شیخ‌نشینان خلیج فارس آغاز می‌شود. در این سال پس از خاتمه جنگ خلیج فارس امارات متحده عربی برخلاف نظر شیخ شارجه و تقاهم‌نامه ۱۹۷۱ شارجه با ایران درباره ابوموسی، اقدام به طرح ادعاهای مالکیت بر جزایر سه‌گانه کرد. در مقابل در واکنش به این اقدام شورای عالی امنیت ملی ایران با صدور بیانیه‌ای هشت‌ماده‌ای بر حق حاکمیت بی‌چون‌وچرای ایران بر جزایر تأکید کرد. بااین‌حال در این سال‌ها این ادعا همواره از سوی امارات متحده عربی مطرح بوده است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد در چند سال اخیر بیش از هزار عنوان کتاب و مقاله به سفارش دولت امارات به زبان‌های عربی و انگلیسی تهیه و به چاپ رسیده‌اند که در همه آنها بر حق امارات درباره جزایر تأکید شده و از «عاده حاکمیت» ایران در سال ۱۳۵۰ و استمرار حاکمیت آن بر این جزایر در نزدیک به ۴۰ سال اخیر به عنوان «اشغال» و از ایران به عنوان کشور «اشغالگر» یاد شده است. در نقطه مقابل ادعاها و شکایات امارات، ایران اما مالکیت بر جزایر سه‌گانه را غیرقابل گفت‌وگو می‌داند. دو سال قبل در سال ۱۳۹۵ منصور حقیقت‌پور، مشاور علی لاریجانی رئیس مجلس ایران و نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس نهم گفت: «امارات متحده عربی و کشورهای منطقه در حالی «به‌صورت دروغین» بر تعلق جزایر سه‌گانه ایرانی به امارات اظهارنظر می‌کنند که در حال حاضر امارات دو جزیره ایرانی را اشغال کرده است». در سال ۱۳۹۱ هم در ادامه تنش‌ها بین دو کشور محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت وقت به جزیره ابوموسی سفر کرد که این موضوع منجر به افزایش تنش لفظی میان امارات و ایران شد. ادعاهای امارات تا به امروز درباره جزایر سه‌گانه ادامه دارد و مشخص نیست نقطه پایانی آن کجاست. جزایری که پیش از قرون ۱۸ و ۱۹ و شروع استعمار انگلیس و پرتغال در منطقه هم به ایران تعلق داشته است. تلاش‌های غرب اما هنوز هم متوقف نشده است. روزنامه اکسپرس به‌تازگی گزارش داده که آمریکا ناو هواپیمابر «جان سی استینس» همراه با شناورهای دیگر را تا آخر هفته جاری به خلیج فارس وارد خواهد کرد. این در حالی است که در هفته جاری ناوشکن سه‌ند که گفته می‌شود از فناوری‌های روز استفاده می‌کند، به ناوگان نیروی دریایی ایران ملحق شد.

« در این گزارش از مطالب «چگونه جزایر سه‌گانه به ایران بازگشتند» سایت تاریخ ایرانی و «چگونه جزایر سه‌گانه را دادیم و بحرین را گرفتیم» استفاده شده است.

ادامه از صفحه اول

چرا زیباکلام را نکشند؟

چه آن‌که، تحلیل وضعیت کنونی و ترسیم مختصات تاریخ معاصر در گرو اندیشیدن بر مبنای یک پارادایم است و بدون چارچوب مفهومی یا پارادایم فکری مشخص که تحلیلگر سیاسی یا فیلسوف آگاهانه به‌کار می‌گیرد، ارائه شمیای درست و واقعی از وضعیت ممکن نخواهد بود.

صادق زیباکلام، متولد اواخر دهه بیست و پدری تاجر، استاد علوم سیاسی، صاحب آثاری هم‌چون «ما چگونه، ما شدیم؟» و «غرب چگونه غرب شد؟»، طرفدار محمد مصدق، مدافع سرخست رضاخان، عضو حزب رخت‌کنشان به‌رهبری مظفر بقایی، مارکسیست، منتقد هاشمی‌رفسنجانی و بعدتر از نزدیکان و مدافعان سیاست‌های هاشمی، خویشاوند سببی احمد توکلی، اصلاح‌طلب و سراج به‌قول خودش لیبرال است. این فهرست متناقض مخاطب را در هر بار موضع‌گیری زیباکلام با این پرسش مواجه می‌کند که اینک با کدام زیباکلام روبه‌روست؟ به‌تبعییر دیگر کدام زیباکلام سخن می‌گوید؟ یا از چه جایگاه گفتنی و با کدام پارادایم فکری؟ اینکه طیف اپوزیسیون در سیاست داخلی نتوانسته است هژمونی باشد یا تغییر اساسی و بنیادی در سیاست ایجاد کنند، شاید یکی هم به‌خاطر این چرخش‌های مدام پارادایمی باشد که در هیچ‌جای تاریخ و دنیا توجیه‌پذیر نبوده و نیست. از همین‌جا برگردیم به موضع‌گیری اخیر صادق زیباکلام درباره قتل‌های زنجیره‌ای که معتقد است مختاری و پوینده ناشناخته بودند و قتل آنها معنا نداشت و بعد از قتل «خیلی‌ها می‌پرسیدند که اینها چه‌کاره بودند؟» زیباکلام به این بسنده نمی‌کند و فهرستی از آلترناتیوهای قتل به‌دست می‌دهد که به‌زعم او می‌توانستند سرفهرسٔ قتل باشند، کاری نداریم که بیشتر این اشخاص سالیانی است که خواسته ناخواسته از نوشتن دست کشیدند یا ترک وطن کرده‌اند. می‌خواهیم روی این نکته متمرکز کنیم که کدام زیباکلام در آن مقطع باید از میان برداشته می‌شد؟ خودش از درافتادن با اصولگرایان می‌گوید «خود بنده که در آن مقطع در روزنامه‌ها منظم یادداشت می‌نوشتم خیلی بیشتر مورد بغض و کینه اصولگرایان بودم» که به‌قول زیباکلام آن دوران «محافظه‌کاران» بودند نه اصولگرایان. پس زیباکلامی که خود را کاندیدای قتل می‌داند، اصلاح‌طلبی است که خود را برابر طیف اصولگرا می‌خواند و این هر دو طیف در آن دوران در سیستم موجود سهمی داشتند و ازقضا اصلاح‌طلبان در قدرت نیز بودند و به‌نقل از سیدمحمد خاتمی این قتل‌ها کار نیروهای خودسر بود و حمله به کوی دانشگاه تهران در هجده تیر ۱۳۷۸ توان پیگیری پرونده قتل‌ها، اما مختاری و پوینده که زیباکلام ناشناخته می‌خواند، برخلاف خودش به پارادایم فکری خاصی یعنی تفکر مارکسیستی یا چپ معتقد بودند و در همین راستا دست به نوشتن و ترجمه و سخنرانی و هر سنخ فعالیت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی می‌زدند. اعتقادات آنها و جایگاه گفتن‌شان و عضویت در کانون نویسندگان همه و همه معنایی بیش از فردیت‌شان داشت، مضافه اینکه جناب زیباکلامی که خود روزگاری به تفکر چپ علاقی داشتند باور این طیف را به کار تشکیلاتی و جمعی می‌دانند و باز بهتر می‌دانند که زدن امثال پوینده و مختاری حذف یک تفکر نیز می‌توانست باشد، کیرم آن تفکر در فضای موجود سیاسی آن دوران دست‌بالا را نداشته، یا به‌هر دلیل به محاق رفته بود. صادق زیباکلام در کتاب پرفروش خود «ما چگونه ما شدیم؟» از علل «عقب‌ماندگی» یا به‌قول خودش «مؤبدیت‌انتر توسعه‌نیافتگی» ما می‌نویسد که در نظر او برخلاف باور رایج که تحت‌تأثیر تفکرات مارکسیستی بوده است، این دلیل هرچه باشد «استعمار» نیست و باید این علل را در خود «ما» جست. شاید یکی از این علل همین ناپسندادن پای غیبت‌های، جاوه‌زکردن مدام میان تفکرات، جایگری اپورتونیستی به‌نام باور به رئال‌پلیتیک، یا تحلیلی وضعیت بدون چارچوب مفهومی مشخص و به‌کارگیری انتظامی آن باشند، آن‌هم از طرف استاد علوم سیاسی که با مفاهیم علمی سیاسی و فکری سروساز دارد و به‌اعتبار موضوع و مکتوباتش خود را کششگر و تئورسین سیاسی نیز می‌داند. اما بدون تحلیل روش‌مند، این‌دست موضع‌گیری‌ها جز فهرست‌کردن امور واقع یا رفت‌وبرگشت بین چند پارادایم و به‌دست‌دادن تحلیلی التقاطی و درهم بهم، کاری از پیش نخواهد برد. زیباکلام، در فهرست اشخاص محق قتل، از هوشنگ گلشیری، رفیق و هم‌مسلك مختاری و پوینده نام می‌برد و او را آلترناتیو مناسبی برای این دو تن در قتل‌های زنجیره‌ای می‌خواند، چراکه به‌نظرش گلشیری آن‌روزها چهره شناخته‌تری بوده است. ما نیز این متن را با ارجاع به گلشیری تمام می‌کنیم، نوسنده‌ای که همراه موضعش مشخص بود و نوشت «در تابوت ناگفته‌هاست که هست» و در

۱. گفت‌وگو با زیباکلام و عطر یافر در بیستمین سالگرد قتل‌های زنجیره‌ای، ۳ آذر، روزنامه شرق